

سخنی دربارهٔ قرار داد های معادن افغانستان با جمهوری چین

گفت و شنود مدیر مسئول نشریه گفتمان ملی با محترم عنایت نبیل بارکزی

اخیراً مقامات طالبان بخصوص شهاب الدین دلاور وزیر سرپرست معادن و پترولیم افغانستان گفته است: که برای افزایش درآمدشان قرار داد معادن لیتیوم افغانستان را که از گران بهاترین فلزات در جهان شمرده می شود به کشور چین واگذار کنند.



شهاب الدین دلاور وزیر سرپرست معادن و پترولیم در نشست با مقامات چینی

پیشتر از این همین مقام طالبان در دیدار با اومین معاون اجراییه کمپنی چینی استخراج معادن MCC بر آغاز هرچه زودتر پروژه مس عینک لوگر نیز تاکید کرده است. قابل یاد آوری است که: دولت پیشین افغانستان نیز استخراج معدن مس عینک را به کشور چین واگذار کرده بود، اما در آزمون نسبت اختلافات میان مسئولان چینی و مقامات دولت پیشین وهم نسبت وضع ناگوار امنیتی پیشرفت چشمگیری نداشت. همچنان در مورد دیگری شرکت ملی نفت چین CNPC در استخراج منابع نفتی سرپل افغانستان در سال 2012 برندهٔ قرار داد شده بود.

ص. وفا: بارکزی صاحب! اجازه دهید که برخی پرسشها پیرامون شماری از قرار داد های خارجی حکومت سرپرست طالبان را با شما در میان بگذارم. سوال در اینجا است که مطابق پرنسپهای عام حقوق بین الدول و روال بین المللی حاکمانی مانند طالبان در افغانستان صلاحیت عقد چنین قراردادها با کشورهای خارجی و مجامع بین المللی را دارند، اگر دارند طبق کدام فیصله ها و تصامیم بین المللی؟

بارکزی: آقای وفا میخواهم به پاسخ خواننده گان نشریه وزین گفتمان ملی سخنی چند در رابطه به قراردادهای معدن جمهوری مردم چین با حکومت سرپرست طالبان داشته باشم:

1 - مهم ترین سند در مورد معاهدات بین المللی، تا اکنون « میثاق قانون معاهدات » که در سال 1969 در وینا، پایتخت کشور اطریش به تصویب رسید، میباشد. اگرچه این میثاق بیشتر قرار دادهایی را مورد بحث قرارداده و مشروعیت و عدم مشروعیت یا بهتر بگویم رعایت و عدم رعایت آنها را احتوا می کند، که اکثراً، بیشتر از دو کشور به تطبیق آن و در همکاری برای تطبیق آن با کشورهای دیگر متعهد میشوند. و این قرار دادهای بیشتر جهات بشری، امنیتی، سیاسی و اجتماعی داشته کمتر جنبه های تجاری و اقتصادی در آنها وجود دارد، با انهم قواعد

عمومی در مورد قراردادهای که شامل قراردادهای تجارتي واقتصادی نیز می گردد، میتواند قابل رعایت باشد، در میثاق گنجانیده شده. قراردادهای که مشروعیت آنها را می توان مورد سوال قرار داد در مواد 49 الی 53، این میثاق توضیح² گردیده است. این حالات شامل، تقلب، فساد، فشار، مغایرت با پرنسپهای عام حقوق بین الدول و تهدید به استعمال قوه میباشد .



کار زیر ساخت های استخراج نفت

تأسیسات برای استخراج لیتویم افغانستان -

سرپل افغانستان

مساله مشروعیت به رغم اینکه همه کشورهای که نماینده گان شان در کنفرانس اشتراک داشتند همه برسمیت شناخته شده ودولتها ی مشروع اند. در میثاق مورد بحث نبوده و حکمی دراین مورد در متن آن وجود ندارد .

2 -بحث مشروعیت طوریکه می دانید یک بحث فلسفی و در بعضی حلقه ها سیاسی است. بر اساس نظر جان لاک یکی از بنیان گذاران اندیشه حکومتمداری بر مبنای دموکراسی ، طوریکه در اثر مشهورش قرارداد دوم second contact گفته است.

"مشروعیت از رضایت مردم بدست آمده دولتمردان خدمتگاران مردم استند". اما با وصفی که بیشتر ما وشما هم در مورد طالبان این استدلال را بکار میبریم، درعمل می بینیم کشورهای اند، که هم در ملل متحد عضویت داشته ،حتی یکی از آنها از جمله پنج عضو دائمی شورای امنیت ، با داشتن حق ویتو است، قدرت را از مردم نگرفته (انتخابات) و مشروعیت که جان لاک گفته و ما وشما همیشه بکار میبریم، ندارد. در این کشور وعده دیگری فقط یک حزب بر کشور حاکم بوده که اقلیت محدودی از شهروندان را تشکیل می دهد و بدون مراجعه به آرای مردم حکومت می نمایند. بنا طالبان هم با استفاده از این واقعیت های موجود در دنیا، با وصف اینکه از طریق انتخابات به قدرت نرسیده اند، و صرف تایید حرکت طالبان (که فیصدی محدود شهروندان را تشکیل می دهد) برای مشروعیت خود کافی میدانند. البته جلسه علما را که سال قبل دایر نمودند، دلیل دیگری برای مشروعیت خود وانمود می کنند، اینکه طرف قبول ما است یا نیست مطلب دیگری است. هدف من از تذکر این مثال این است، که همه چیز را نباید سیاه یا سفید دید، بعضی اوقات بعضی چیز ها رنگ خاکستری دارد، یک شخص انرا سباه دیده وشخص دیگری سفید می بیند .

3 -حالا می آییم بر سر اصل مطلب. با آنچه گفته آمدیم:

تا جایی که من آگاهی دارم: سند حقوقی مشخصی وجود ندارد که ما بر اساس آن قرارداد حکومت سرپرست طالبان با حکومت چین یا کمپنی های چینی را غیر قانونی بخوانیم، زیرا در قراردادها اثبات تقلب، فساد، فشار، مخالفت با اصول ونورمهای بین المللی و تهدید به استعمال قوه وجود ندارد. ازطرف دیگر فقط مخالفین طالبان انهم بر اساس گفته لاک و پیروان وی (امریکا وحکومت های غربی) و روشنفکران افغان مشروعیت انها را زیر سوال قرار می دهند. زیرا کشورهای که خود بر مبنای انتخابات از طریق همه پرسی ملی به قدرت نرسیده اند، به این مسایل علاقه نداشته وحتی نمی خواهند انرا عنوان نمایند .

4- در قرار دادهای تجارتی اکثراً آنچه مطرح است رضایت طرفین است، چه بین افراد باشد چه بین کشورها، در این موارد اصلاً کشورها زیاد تمرکز ننموده به آن توجه نمی نمایند، جز اینکه آنرا برای تبلیغات منفی و مثبت بکار برند.

5- اما برای قانونی بودن و نبودن آن باید بر قوانین داخلی هم نظری انداخت. دیده شود آیا قانون تدارکات رعایت شده یا خیر؟ (با این شیوه حکومتداری طالبان اصلاً اینکه آنها کدام قانون را قبول و کدام را قبول ندارد، معضله دیگری است) اگر قانون تدارکات رعایت شده باشد. یعنی به اجاره دادن معادن به داوطلبی گذاشته شده یا خیر؟ آیا (RFP) یا Request for proposals تقاضا برای پرپوزل (پیشنهاد) از طرف وزارت معادن صادر و کمپنی ها افر داده اند؟ آیا افرها توسط هیات متخصصان جیولوجستها، حقوقدانان، اقتصاددانان، متخصصین محیط زیست و بسا عرصه های دیگر، ارزیابی شده است یا خیر؟ و اگر بدون داوطلبی براساس sole sourcing به کمپنی چینیایی داده شده هم روشن شود (بعضاً کشورها بدلائل استعجالیت ویا بدلائل خاص دیگر مراحل عادی داوطلبی را طی ننموده و بدون داوطلبی با یک کمپنی یک قراردادی را منعقد می نمایند که انرا soul sourcing، مینامند).

6- آیا طالبان چنین متخصصینی را درصوف خود و یا از طریق دیگری در کنار خود دارند؟ تا جاییکه من میدانم (من عضو هیات قرار داد اصلی یا قرارداد اول معدن مس عینک بودم که بهترین قرار داد بود که متاسفانه بنابر فساد اداری انرا تعدیل و کاملاً به نفع چین تغیر دادند. باید علاوه نمایم که در افغانستان ما متخصصین لازم برای قرار دادهای معادن بزرگ را حتی در زمان آقویون کرزی و غنی هم یا نداشتیم ویا خیلی کم داشتیم

7- آیا معلومات کافی برای آگاهی مردم نشر شده است یا خیر؟
امید توانسته باشم، اقلأ بخشی از سوال شما را پاسخ داده باشم.
اما لازم میدانیم حاشیه پی نیز در این مورد بنویسم:

1- یک اصل اساسی که ملل متحد در مورد آن توصیه نموده (متاسفانه زمان و شماره قطعنامه، اعلامیه و فیصله آنرا دقیقاً بخاطر ندارم). این است که منابع طبیعی زیر زمینی حتی بعضی منابع روی زمین مانند جنگلات، مربوط یک نسل نبوده، بلکه مربوط وملکیت نسلهای کنونی و آینده است. طالبان یا هیچ حکومتی (ولو همه مسایل قانونی باشد) این حق را ندارد که همه یا بیشترین منابع زیرزمینی را در یک زمان و به عجله مورد بهره برداری قراردهند. یعنی صلاحیت تلف کردن، حق نسلهای بعدی را ندارند.

2- از اینکه علم و تکنالوژی در حال پیشرفت و زمان در حال تغیر است، ممکن مردم و اقتصاد ما توانایی آنرا پیدا نمایند که منابع طبیعی را به عوض اینکه به شکل خام بفروش برسانیم، بعد صنعتی شدن به قیمت بیشتر بفروش برسانیم.

3- با توجه به تخلفات کمپنی MCC چینیایی و کمپنی دیگر چینیایی، در قرارداد اول آمودریا که سبب فسخ آن قرارداد در زمان حکومت آقای غنی شد، اعتبار در مورد تعهد کمپنی های چینی را نیز کمرنگ میسازد. نمیدانم این کمپنی ها بطور دقیق چه تعهداتی داده اند؟ تعهدات به چه کلماتی در قرارداد درج است و تخلف از آن چه نتایج حقوقی را ببار می آورد؟

تا به اصل متن رسمی و تعهد شده جانبین قرار داد، دسترسی ممکن نباشد، نمیتوان در مورد بطور دقیق و مسلکی ابراز نظر نمود.

امید توانسته باشم، اقلأ بخشی از سوالات شما را پاسخ داده باشم.
ص. وفا: بارکزی صاحب از روشنی و وضاحت تان در موضوع متشکریم
